

یادمانی برای شهید سوسیالیست؛ درباره‌ی تابلوی قتل رزا لوگزامبورگ

نوشته‌ی جان ای. واکر

ترجمه‌ی علی گلستانه

در ژانویه‌ی ۱۹۱۹ در پی شکست «اسپارتاکیست»^۱های آلمان در جنگ‌های خیابانی، نیروهای نظامی ضدانقلاب، رزا لوگزامبورگ مارکسیست انقلابی را به شکل وحشیانه‌ای در برلین به قتل رساندند. کارل لیبکنخت، دیگر رهبر «اسپارتاکیست» هم در همان زمان کشته شد. قتل اینان موجب شد تا بسیاری از نویسندگان و هنرمندان آثاری در یادبودشان تولید کنند. از این میان، می‌توان به هنرمندان آلمانی همچون برتلت برشت، اروین پیسکاتور، آلفرد دابلین، گئورگه گرس، کانارد فلیکسمولر، کته کل‌ویتس، ماکس بکمان، و میس ون در روهه اشاره کرد. در دهه‌های اخیر هم هنرمندانی چون می استیونس (هنرمند امریکایی)، جی. اسپاداری (هنرمند ایتالیایی)، مارگارت فون تروتا (فیلمساز آلمان غربی)، و دست‌آخر راندل برکس کیتای آثاری را درباره‌ی رزا تولید کرده‌اند.

همه‌ی این آثار، با رسانه‌ها و روش‌های متفاوت که رویدادی واحد را بازنمایی می‌کنند، این پرسش را پیش می‌نهند که ارزش و کارکرد چنین یادمان هنری‌ای چیست؟ این نوشتار بر یکی از این نمونه‌ها تمرکز می‌کند: تابلوی قتل رزا لوگزامبورگ (۱۹۶۰) اثر کیتای که در مجموعه‌ی گالری تیت نگهداری می‌شود.

کیتای (متولد ۱۹۳۲) نقاشی امریکایی است که در انگلستان اقامت دارد.^۲ دنیای هنر نخستین‌بار در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ او را به عنوان یکی از عاملان جنبش پاپ‌آرت به رسمیت شناخت. *قتل رزا لوگزامبورگ* نخست در کارنمای «معاصران جوان» در ۱۹۶۱ نمایش داده شد، سالی که متعاقباً آن را «سال پاپ‌آرت» دانستند. از ابتدا منتقدان کار کیتای را به شکلی نامناسب در دسته‌بندی پاپ گنجانده‌اند؛ چرا که او پی‌رنگ آثارش را بیشتر از تاریخ برمی‌گرفت تا از فرهنگ معاصر توده. نمونه‌اش، *قتل رزا لوگزامبورگ*،^۳ بنا بر اصطلاحات، این اثر در ژانر نقاشی تاریخی قرار می‌گیرد. به هرجهت، تاریخی که این نقاشی به آن ارجاع می‌دهد، همان قدر زندگی نیاکان کیتای را در بر می‌گیرد که رویدادهای ۱۹۱۹ را.

کیتای هنرمندی با فرهنگ و پرمطالعه است. روش تصویری او کمابیش ادبی است؛ چنانکه نقاشی‌هایش گاه مواد نوشتاری و کنایه‌هایی به دیگر تصاویر را شامل می‌شوند. یادداشتهای او در کاتالوگ‌های آثارش هم به‌تناوب شامل فهرست‌های کتابشناسی و نقل‌قول از متن‌هایی است که الهام‌بخش آثار مربوطه بوده‌اند. کیتای هنرمندی است بسیار خودآگاه که به‌خوبی

۱. اسپارتاکیست نام گروهی از سوسیالیست‌های ضد دولت آلمان بود که به رهبری رزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنخت از حزب سوسیال‌دمکرات آلمان منشعب شدند و حزب کمونیست را پایه گذاشتند. اختلاف عمده‌ی اسپارتاکیست‌ها با این حزب، اعتقاد اینان به بین‌المللی کردن مبارزه بود؛ درحالی‌که حزب سوسیال‌دمکرات برای حفظ قدرت سعی در جلب حمایت دولت محافظه‌کار داشت. بسیاری از مبارزان و روشنفکران، از جمله هربرت مارکوزه، حزب سوسیال‌دمکرات را مستقیماً در قتل رهبران اسپارتاکیست سهیم و مقصر می‌دانستند - م.

۲. این متن احتمالاً پیش از نقل مکان کیتای به لس‌آنجلس نوشته شده است. نقاش امریکایی پس از درگذشت همسر هنرمندش (ساندرا فیشر) در ۱۹۹۴ لندن را ترک کرد و تا زمان خودکشی‌اش در ۲۰۰۷ در لس‌آنجلس ماند - م.

۳. کیتای همواره دسته‌بندی آثارش در زمره‌ی پاپ‌آرت را رد کرده است. از جمله در یکی از واپسین گفت‌وگوهایش با آندرو لامبرث (نک: Andrew Lambirth, Kitaj, (London: PWP, 2004, p.76) - م.

بر نظریه‌های کلاژ و مُنتاژی که سوررئالیست‌ها، و هنرمندان و نویسندگان شوروی و آلمان دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ درباره‌شان بحث کرده‌اند، تسلط دارد. او با روش‌شناسی تاریخ هنر نیز آشناست، به‌ویژه با روش تحلیلی که آلمانی چون آبی واربورگ، فریتز ساکسل، و ادگار ویند در موضوع‌شناسی و مضمون‌شناسی به کار برده‌اند.^۴

قتل رُزا لوگزامبورگ مُنتاژ نامنسجم تصویرها و واژگانی است که به شکل‌های گوناگون با هم پیوند و هم‌پوشانی دارند. روش اجرای آن تاندازه‌ای زمخت است: سبک طراحی و قلم‌گذاری نیمه‌ترسیمی یادآور گرافیتی و تاحدی اکسپرسیونیسم انتزاعی است. اگرچه درجه‌ی عقب‌نشینی عناصر کار از سطح بوم تاحدودی از راه هم‌پوشانی آن‌ها نشان داده شده است، تصویر فاقد عمق فضایی و پرسپکتیو متعارف است. تصویر به‌وضوح دوبرخشی است: فضا و بنابراین زمان آن یکپارچه و منسجم نیست. رنگ‌های تیره‌ی غالب (سیاه، قهوه‌ای، آبی، و اُکر) با کارمایه‌ی تلخ و اندوهبار تابلو هماهنگ است. در گوشه‌ی چپ بالای نقاشی شکلی دندانه‌دندانه وجود دارد که طرح سر و بالاتنه‌ی زنی را در بر می‌گیرد. به گفته‌ی کیتای این پرتره‌ی لوگزامبورگ نیست، بلکه رُزا، مادر بزرگ یهودی خود کیتای است که در آغاز قرن برای پرهیز از آزار و اذیت از روسیه فرار کرد.^۵ در بخش چپ میانی، هلن، مادر بزرگ دیگر او که پیکر از ریخت‌افتاده‌ی افقی لوگزامبورگ را در آغوش می‌فشرد، از نیم‌رخ نمودار شده است. چهره‌ی هلن به‌نظر شبیه به رُزا است.

بالای جسد شناور رُزا (پیکر او را درون کانال آب پرت کردند و تا مدت‌ها کسی نتوانست پیدایش کند) نمای کناری یک سواری یا ون با نیم‌رخ راننده‌اش دیده می‌شود. در قسمت راست‌اش، طرح محیطی که تصویر تندیس به سبک سده‌ی نوزدهم را در بر گرفته، به سربازی آلمانی با کلاهخودش شبیه شده است. قاتل رُزا در گوشه‌ی بالای راست نمودار شده است؛ اما سیما و هویت او زیر صفحه‌ی نوشته‌ای پنهان مانده. آلت قتل (تپانچه) جوری ترسیم شده که درعین‌حال همچون فالوس به نظر بیاید. شیارهای عمودی که با رنگدانه‌های سرخ و سبز نقاشی شده‌اند و خون و رنج را نشان می‌دهند قسمت راست پایین تابلو را اشغال کرده‌اند. بخش عمده‌ی پایین نقاشی خالی مانده است. امضای کیتای و عنوان اثر در گوشه‌ی چپ پایین نمودار شده‌اند، به عنوان توضیح بنای یادبودی به شکل ستون کتیبه‌دار که در چشم‌اندازی قرار گرفته است. سرآخر، دو بنای یادبود دیگر (یک هرم و یک پرستشگاه کلاسیک) در میانه‌ی چپ تابلو با رگه‌هایی از نارنجی، سبز، آبی، و صورتی روشن نقاشی شده‌اند.

روش چندپاره‌ی حساب‌شده‌ی کیتای در ساخت‌بندی تصویری محتوای تصویر را به‌گونه‌ای می‌سازد که به‌دشواری می‌توان آن را دریافت. باین‌حال صفحه‌ی نوشته‌ای که در گوشه‌ی راست بالا قرار دارد می‌تواند در این امر ما را یاری کند. این صفحه که همچون کلیدی برای شناخت بقیه‌ی تصویر عمل می‌کند، ماده‌ای نوشتاری است که از چهار موضوع تشکیل شده است:

۱. گزارشی از مرگ رُزا که از زندگینامه‌ی او به قلم پاول فرولیش (۱۹۴۰) نقل شده است؛

۴. بنگرید به: M. Livingstone, "Iconology as Theme in the Early Work of R. B. Kitaj," *Burlington Magazine*, vol. CXXII, no. 928, July 1980, 488-96.

۵. R. B. Kitaj, *The Murder of Rosa Luxemburg, 1960-62*, statement supplied to the Tate Gallery, 1983.

۲. اطلاعاتی درباره‌ی اینکه چهره‌ی مرد داخل ماشین شبیه به ارتشبد کُنت فون مولتکه است (سرکرده‌ی ستاد کل آلمان در شروع جنگ جهانی اول. او در ۱۹۱۶ درگذشت)؛

۳. این حقیقت که مجسمه‌ای که درست در سمت چپ صفحه‌ی نوشته قرار دارد، بر اساس مجسمه‌ی یادبود نیدروالت، که به یاد تأسیس امپراتوری جدید آلمان در ۱۸۷۱ برپا شده بود، نقاشی شده است؛

۴. ارجاعی به مقاله‌ای از آلفرد نومایر^۶ با موضوع بناهای یادبود ملی آلمان در نشریه‌ی *انستیتو واربورگ*، به همراه اطلاعاتی درباره‌ی اینکه ستون کتیبه‌دار سمت چپ پایین بر مبنای طرحی برای یادمان فردریک کبیر، که تصویر آن در مقاله‌ی نومایر آمده، نقاشی شده است.^۷

کیتای با جای دادن متنی فرازبانی در بافت نقاشی، چندین مقصود را به کار گرفته است. این کلیدی برای موضوع‌شناسی تابلو فراهم، و سرچشمه‌های پاره‌ای از نقوش و ایده‌های پوشیده‌ی تصویر را برملا می‌کند. سرچشمه‌ها دوگانه اند: تاریخ اجتماع و تاریخ هنر - که این خود یادآوری می‌کند که هنر به همان اندازه که پی‌آمد سنت هنر است، نتیجه‌ی مستقیم واقعیت دریافت‌شده نیز هست. نوشته‌ی درون تابلو همچنین از ما می‌خواهد که تاریخ‌نویسی و نقاشی تاریخی را همچون بازسازی بازنگرانه‌ی رویدادهای گذشته بر پایه‌ی پاره‌های اسناد تاریخی در نظر آوریم.

در ۱۹۶۳، کیتای کارنمایی تک‌نفره در گالری «مارلبرو»ی لندن داشت، کارنمایی که تابلوی قتل رُزا لوگزامبورگ را هم در بر می‌گرفت. او برای این کارنما کاتالوگ اطلاعات و یادداشت‌هایی از خودش فراهم کرد که زندگینامه‌ی کوتاهی از رُزا، به همراه جزئیات کاملی از مقاله‌ی نومایر را هم شامل می‌شد.^۸ این مقاله‌ی خردمندانه درباره‌ی خصلت هنری و کارکردهای اجتماعی بناهای یادبود برجسته‌ی کلاسیسیسم آلمانی بحث می‌کند. دو تا از تصویرهای مقاله، یعنی طرح هاینریش دانه‌کر برای بنای یادبود فریدریک کبیر و ژنرال‌هایش (ستونی کتیبه‌دار)، و طرح یانوس گنلی برای بنای یادبود کانت (هرم و پرستشگاهی یونانی) منبع دو نقشی هستند که کیتای در تابلوی خود ترسیم کرده است. نومایر اشاره می‌کند که یکی از مسائل پیش روی طراحان بناهای یادبود تصمیم‌گیری درباره‌ی این بود که آیا باید پیروزی‌های افراد خاص یا گرامی‌بدارند یا نیروهای عام‌تری را که از مجرای کنش آنان متحقق شده‌اند. به بیان دقیق‌تر، آیا بنای یادبود باید شکل پرتره‌ی شخصیتی خاص را به خود بگیرد یا شکل معماری نمادین را؟^۹

نقاشی کیتای، همزمان یادمانی برای لوگزامبورگ و تأملی بر مسئله‌ی ساخت چنان یادمان‌هایی است. این یکی از نکاتی است که می‌توان از گنجاندن تصویرهای انواع گوناگون بناهای یادبود در درون تصویر و نقل‌قول از مقاله‌ی نومایر نتیجه کرد. کیتای این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا یادمان شهیدی سوسیالیست می‌تواند همان شکل بناهای یادبود رسمی موردوفاقی را به خود بگیرد که برای رهبران بزرگ ساخته می‌شوند؟ اثر با بیانی روشن از کشمکشی می‌گوید میان وظیفه‌ی

۶. Alfred Neumeier، تاریخ‌نگار هنر آلمانی (۱۹۰۱ تا ۱۹۷۳) - م.

v. A. Neumeier, "Monuments to 'Genius' in German Classicism," *Journal of the Warburg Institute*, vol. 11, no. 2, 1938, 159-62.

۸. R. B. Kitaj: *Pictures with Commentary, Pictures without Commentary*, London, Marlborough Gallery, February 1963.

۹. پاسخ میس ون در روهه به مشکل ساخت بنای یادبودی برای کارل لیبکنخت و دیگر اسپار تاکیست‌های شکست‌خورده، معماری نمادین بود. بنای آجری او به سال ۱۹۲۶ در گورستانی در برلین برپا شد. اما بعدتر وقتی نازی‌ها در ۱۹۳۳ به قدرت رسیدند، آن را ویران کردند.

یافتن روایت تاریخی صحیحی از آنچه بر رُزا رفت، و هدف طرح‌ریزی بنای یادبودی که بتواند از رویدادهای مختص به مرگ او فراتر رود. مسائلی که این نقاشی برمی‌انگیزد، در اصل بخشی از مسئله‌ای فراخ‌تر است: دشواری تولید میتولوژی سوسیالیستی مجاب‌کننده‌ای که از سیره‌نویسی ساده‌انگارانه و رتوریک بصری واپس‌گرانه‌ی یادمان‌های رئالیسم سوسیالیستی نظیر آنچه در دولت استالین تولید می‌شد احتراز کند.

بنا بر نظر میشل پُردو، قرابت‌های مشخصی میان لوگزامبورگ و کیتای وجود دارد.^{۱۰} لوگزامبورگ لهستانی‌ای بود که به سوی آلمان کوچ کرده بود، و کیتای امریکایی‌ای است که در تبعیدی خودخواسته به بریتانیا رفته است. هر دو مفتون جامعه و فرهنگ آلمان هستند و هر دو در خانواده‌ای یهودی متولد شده‌اند. کیتای توضیح می‌دهد هنگامی که فکر این تابلو را در سر می‌پروراند، نه سیاست‌های انقلابی رُزا، بلکه این واقعیت که مرگ او قتل یک یهودی بود او را ترغیب کرده است.^{۱۱} دقیقاً میل به فرار از سرنوشتی مشابه بود که موجب شد مادر بزرگ‌های کیتای از اتریش و روسیه به ایالات متحده جلائی وطن کنند. برای کیتای، زندگی و مرگ رُزا «نمادی از زمانه‌ی تاریکی بود که آن را در سرنوشت مادر بزرگ‌هایم شریک می‌دانم». بنابراین این نقاشی ارجاعی شخصی است که شاید برای بینندگان‌اش نامشخص‌تر از آن باشد که بدون کمک شرح و تفسیر کیتای بتوانند آن را دریابند.

کیتای تصمیم گرفت که آنانی را که در قتل یک یهودی دست داشتند در چارچوب ابتذال شر بازنمایی کند (تبهکارانی که کار خود را بی‌هیچ خلاقیتی انجام می‌دهند). قتل رُزا تجسم آن چیزی است که در دوران رژیم نازی بر یهودیان و کمونیست‌های آلمان رفت. کیتای نشان می‌دهد که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی فاشیسم آلمانی، شکلی فاسد از رمانتی‌سیسم بود. او می‌گوید این آن ارتباطی است که وقتی تصاویر ویرانه‌های بناهای یادبود رمانتیک را وارد نقاشی‌اش می‌کند در ذهن دارد.

علی‌رغم تلمیحات شخصی نقاشی کیتای، این تابلو همچنان درباره‌ی فیگوری انقلابی است. لحن چپ‌گرایانه در کارهای کیتای تکرار می‌شود و این خود دلیلی است بر این فرض که او به بیان سیاسی، سوسیالیست است.^{۱۲} با این حال این مسئله پابرجاست که چطور آثار هنری با موضوعات سوسیالیستی، به‌ویژه از نوع تاریخی، در چارچوب کشمکش‌های واقعی حاضر اثربخش هستند. از نظر بسیاری از هنرمندان سوسیالیست، پرسش از «زبان» (زبان هنری) اهمیتی حیاتی دارد؛ چراکه این نوع «زبان» و سطح به‌کارگیری آن است که تاحدی دامنه‌ی مخاطبان اثر را تعیین می‌کند. زبان پیچیده و تصویرپردازی چندپاره و کنایی کیتای، به‌رغم اطلاعات برون‌تصویری‌ای که او با این جدیت فراهم می‌کند، برای عموم مردم عادی مستقیماً دست‌یافتنی و قابل‌فهم نیست. پُردو همچنین به تنشی اشاره کرده است که میان «دلمشغولی پرشور کیتای برای ساختن هنری خصوصی و وقف گروه کوچکی از خبرگان، و ساختن هنری عمومی و هم‌پیمان‌ساز» وجود دارد. از طرف

۱۰. Michael Podro, "Some Notes on Kitaj," *Art International*, vol. 22, no. 10, March 1979, 18-25.

۱۱. Kitaj, *The Murder of Rosa Luxemburg, 1960-62*.

۱۲. کیتای در گفت‌وگویی با تیمتی هایمن می‌گوید: «من همچون یک سوسیالیست احساس می‌کنم» (John Ashbery, et al., *Kitaj: paintings, drawings, pastels*, (Thames & Hudson, 1983, 45). در این گفت‌وگو، و در نامه‌ای به جی. واکر تردیدش را درباره‌ی همه‌ی ایدئولوژی‌ها، برنامه‌ها، و احزاب سوسیالیستی بیان می‌کند. او ایمان‌اش به افراد را بالاتر از مرام‌های اشتراکی، و هویت‌یابی با ایده‌های شفقت‌آمیز سوسیالیسم قرار می‌دهد.

دیگر، ارزش‌های تربیتی کار کیتای را هم نباید نادیده گرفت. شاید فضیلت خاص هنر او این باشد که به‌جای تدارک بنای یادبودی غیرانتقادی، همه‌ی بناهای یادبود را به پرسش می‌کشد. این نقاشی، فراتر از هر چیز، کیفرخواستی است درباره‌ی جرمی که انگیزه‌ای سیاسی دارد؛ همان‌طور که برای سببیت بشریت، رستگاری‌ای محدود فراهم می‌آورد. -

منبع: *Studies in Iconography*, vol 13, 1989-90, pp. 258-62.

مشخصات نگاره: رانلد برکس کیتای، *قتل رُزا لوگزامبورگ*، رنگ روغنی و کلاژ روی بوم، ۱۵۳ در ۱۵۳ سانتی‌متر، ۱۹۶۰، لندن: مجموعه‌ی گالری تیت.